

تلویزیون و بزهکاری اطفال

امیر بی پروا^۱

سید محمد رضا ولیعهدی^۲

چکیده

تلویزیون امروزه با رشد تکنولوژی‌های ارتباطی گسترش چشم‌گیری پیدا کرده است و با کارکرد های مختلفی که دارد دارای نقش های کلیدی در ارائه اخبار و سرگرمی و آموزش دارد. نقش تلویزیون در سرگرمی و آموزش سبب این می شود که افراد ساعاتی طولانی از روز را صرف تماشای آن کنند و اطفال بیش از سایر گروههای سنی جذب آن شده و از آن متأثر می شوند. تلویزیون با توجه به تأثیرپذیری اطفال از آن در بزهکاری آنها نیز نقش داشته است که تأثیر تلویزیون بر بزهکاری اطفال را در دو بعد تشدید بزهکاری و پیشگیری از آن از طریق تلویزیون می توان بررسی نمود که با توجه به اسناد بین‌المللی چون کنوانسیون حقوق کودک و اسناد یونسکو و حقوق موضوعه ایران که بیانگر کارکرد تلویزیون در پیشگیری از بزهکاری اطفال هستند، به بررسی راهکارهای حقوقی در حقوق بین‌الملل و داخلی بر کاهش میزان تأثیر تلویزیون بر تشدید بزهکاری اطفال و نقش آن در پیشگیری از بزهکاری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بزهکاری اطفال، تلویزیون، پیشگیری تشدید، کنوانسیون حقوق کودک، تبلیغات بازرگانی.

^۱ دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) biparvaamir@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

عصر حاضر دوره‌ای است که وسایل ارتباط جمعی رشد چشم‌گیری داشته‌اند و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات مواجه هستیم به طوری که حجم بسیار زیادی از اطلاعات از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی به صورت تصویری، صوتی و مکتوب قابل جابه‌جایی می‌باشد، که این عصر را با توجه به رشد چشم‌گیر تکنولوژی‌های مربوط به اطلاعات و ارتباطات می‌توان عصر ارتباطات نامید و دنیای معاصر را به دهکده جهانی تشبیه نمود.

در عصر حاضر ارتباطات به صورت‌های یکطرفه و دوطرفه از راه‌های دور و نزدیک صورت می‌گیرد اما با توجه به گسترش تکنولوژی‌های ارتباطات چون تلویزیون، رادیو، اینترنت و گسترش و توسعه جامعه اطلاعاتی جهانی بین ارسال کننده پیام، شنوده و گوینده، بیننده و اجراکننده فاصله مکانی و زمانی بسیار زیادی وجود دارد و این ارتباطات دارای تأثیرات گسترده‌ای می‌باشد به طوریکه وسایل ارتباط جمعی عصر حاضر وسیله مؤثر در شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی، باورهای افراد، ارزش‌های جامعه می‌باشد که وسایل مذکور می‌تواند براساس اهداف خود یک جامعه را با ارزش‌ها و افکار مورد نظر خود به وجود آورند این وسایل دارای آثار مثبت و منفی مختلفی می‌باشند که با توجه به محتوای برنامه‌ها بالاخص در تلویزیون می‌توان این آثار را در میان گروه‌های سنی مختلف مشاهده نمود.

برخی از پژوهشگران چون لاز سفلد^۳ و مرتن^۴ در این باره می‌نویسند و وسایل ارتباطی جدید ابزاری بس نیرومندند که می‌توان از آن در راه خیر و شر با تأثیری شگرف سود برد و چنان چه کنترل مطلوب وجود نداشته باشد، امکان استفاده از این وسایل در راه شر بیش از خیر آن است. (ستوده، ۱۳۷۳، ۱۴۳) تأثیرات مثبت و منفی وسایل ارتباط جمعی بالاخص تلویزیون را می‌توان در میان گروه‌های سنی مختلف مشاهده کرد ولی در این میان تأثیر این وسایل در ایجاد رفتارهای ضد اجتماعی که در بحث ما تحت عنوان بزهکاری مطرح می‌شود از لحاظ جنبه‌های حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیرپذیری افراد مختلف از تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی مبتنی بر عوامل روانی است که میزان تأثیرپذیری با توجه به وضعیت روانی و رشد ذهنی می‌تواند متفاوت باشد، معمولاً در ارتباط با اشخاص بزرگسال که به بلوغ فکری رسیده‌اند میزان تأثیرپذیری نسبت به اطفال که هنوز به بلوغ فکری نرسیده‌اند و رشد ذهنی آن‌ها تکمیل نشده است متفاوت می‌باشد. در اطفال همزمان با رشد ذهنی آن‌ها رفتارهای اطفال شکل می‌گیرد که همزمان با جامعه‌پذیری اطفال رفتارها تحت تأثیر عوامل مختلف به وجود می‌آیند، جامعه‌پذیری فرآیندی است که طی آن هر فردی خود را به تدریج با قواعد، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مورد انتظار جامعه خویش منطبق و هم‌نوا می‌سازد. می‌توان گفت که فرایند اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری از دو زاویه قابل بررسی است. عینی از دیدگاه جامعه‌ای که بر فرد اثر می‌گذارد و ذهنی از دیدگاه فردی که به تأثیر جامعه پاسخ می‌دهد.

از لحاظ عینی، جامعه‌پذیری فرآیندی است که به موجب آن جامعه فرهنگ‌اش را از یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌دهد و فرد را به شیوه‌ای پذیرفته شده و تأیید شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می‌کند. بنابراین، کارکرد جامعه‌پذیری این است که استعدادها و انضباط‌هایی را که فرد به آنها نیاز دارد، پرورش دهد، نظام ارزش‌ها و انتظارات زندگی جاری جامعه‌ای خاص را به فرد منتقل کند و مخصوصاً نقش‌های اجتماعی‌ای را که افراد باید ایفاء کنند آموزش دهد. (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۴۷)

^۳- Lazer seld

^۴- Meroton

^۶- Socialization

از لحاظ ذهنی جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد از گذر آن خودش را با محیط اجتماعی — فرهنگی پیرامونش سازگار می‌کند. شخص از بدو تولدش به تدریج هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه‌اش را از آن خودش می‌کند، در حالی که یک مهاجر به ملیت جامعه میزبانش در می‌آید. باید خاطر نشان کرد که جامعه‌پذیری فرآیندی بلندمدت است با بهره‌ای عظیم از کوششی ناخودآگاه در راستای هم‌نوایی با هنجارها، که پیوسته در زمان، مکان، فرهنگ و جامعه‌ای مشخص و معین تحقق می‌یابد. با توجه به آن چه که ذکر شد تلویزیون می‌تواند از لحاظ ذهنی و عینی در جامعه‌پذیری مشارکت داشته باشد و با توجه به استفاده این وسیله به طور گسترده در میان اکثر اعضای جامعه بشری دارای نقش اصلی در جامعه‌پذیری است.

نابهنجاری، رفتارهای ضد اجتماعی از طریق عوامل ذهنی و عینی در جامعه‌پذیری افراد به وجود می‌آید، که از لحاظ ذهنی در هم‌نوایی با هنجارهای عرفی و اجتماعی و نادیده گرفتن مقررات و قواعد عمومی و ارزش‌های اخلاقی که زاویه ذهنی جامعه‌پذیری را نشان داده و به نابهنجاری منجر می‌گردد و از لحاظ عینی جامعه‌پذیری به معنای سختی و عدم انعطاف مقررات و قواعد عمومی ساختن هنجارهای بخشی و گروهی و یا مداخله رسمی در قلمروهای شخصی و اختصاصی که هنجارهای عرفی الزامی آور نیستند به هنجار حقوقی الزام آور تبدیل ساختن و عملاً عمل به مقررات و تبعیت از آن را دشوار می‌سازد.

رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکاری اعمال زیادی را در بر می‌گیرد که شامل مواردی چون دزدی، ولگردی، تخریب، اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، روسپی‌گری و... می‌باشد که این اعمال و رفتارها از لحاظ زیر پا گذاشتن مقررات و انتظارات اجتماعی دارای وجه اشتراک می‌باشند. این رفتارها زمانی ضد اجتماعی تلقی می‌شوند که از سوی کودک تکرار شده، مزمن و غیرقابل کنترل گردند.

برنامه‌های تلویزیون در توسعه رفتارهای ضد اجتماعی یا کاهش آن با توجه به نقشی که در جامعه‌پذیری دارند بسیار مؤثر می‌باشند چنانچه برنامه‌های تلویزیون بخش اعظم مخاطبان آن کودک بود و کودکان از لحاظ روانی و ذهنی در حال رشد بوده و متأثر از محیط اطراف می‌باشند، محتواهای تلویزیونی تأثیر زیاد در تشدید رفتارهای ضد اجتماعی و گسترش پدیده بزهکاری داشته یا بالعکس موجب کاهش این پدیده در جریان جامعه‌پذیری داشته و به عنوان یک عامل پیش‌گیری از جرم و بزهکاری که این پیشگیری می‌تواند منجر به ایجاد تغییرات پایدار در آن داشته از جوانانی که خطر ارتکاب جرم آنان را تهدید می‌کند، پیشگیری از رشد و توسعه ناسازگاری، تشویق به تغییر موضع از هنجارشکن به هنجارمندی در زندگی اجتماعی، مقاوم‌سازی افراد آسیب‌پذیر در برابر وسوسه‌های بزهکاری بشود. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۶۳) حقوق کودک یکی از مسائل دشوار و چالش‌برانگیز است که دولت‌ها نسبت به آن از منظر حقوق بین‌الملل دارای تعهد می‌باشند. کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند بین‌المللی الزام‌آور گفت و مان جدیدی را آغاز کرد که جامعه بین‌المللی را در حمایت از حقوق کودکان وارد یک فضای جدید کرد. در نظام جهانی حقوق بشر که نظامی است حمایتی که دولت‌ها در برابر افراد به تکالیفی اعم از مداخله ای و یا عدم مداخله مکلف می‌کند. حقوق کودک نیز به عنوان بخشی از یک نظام بزرگتر یعنی حقوق بشر، نظامی حمایتی نسبت به کودکان ارائه می‌دهد. در نظام حقوق بشر موضوع مهم این است که کودکان در برابر چه کسانی و در چه زمینه‌هایی باید مورد حمایت قرار گیرند. خانواده محل رشد و تربیت کودک است و هر کودکی در دامن یک خانواده پرورش می‌یابد و به خانواده‌ای تعلق دارد. خانواده می‌تواند صمیمانه‌ترین فضا را در حمایت از کودکان فراهم کند. اما باید به این نکته توجه داشت که حقوق اساسی بسیاری از کودکان در خانواده و توسط اعضای خانواده و حتی والدین به بدترین گونه مورد نقض قرار گرفته است. آمارهای بسیار تکان‌دهنده آزار کودکان و حتی سوءاستفاده‌های جنسی از

انها در خانواده وجدان ادمی را به درد می آورد و شهود اخلاقی ادیمان حکم می کند که باید کاری کرد. وظیفه اخلاقی ناشی از این شهود اخلاقی چنان نیرومند است که سکون و بی توجهی سرزنش سخت اخلاقی را به دنبال خواهد داشت. البته باید توجه داشت که ازار و سوء استفاده های احتمالی کودکان در خانواده تنها موارد نقض حقوق کودکان نیستند. در بسیاری موارد ممکن است نقض حقوق کودکان ریشه در جهل و نادانی خانواده داشته باشد. برای نمونه امتناع خانواده های زیادی در جوامع افریقایی در دریافت واکسن فلج اطفال بوده است، چرا که والدین آنها به علت باور های غلط فکر می کردند این واکسن برای کودکان آنها مضر است. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۳۵۵) در کشور های در حال توسعه و کشور های فقیر و عقب مانده این فاجعه به مراتب عمیق تر است. تفکیک سنتی حوزه خصوصی و عمومی به ویژه در جوامع سنتی در زمینه های مربوط به حقوق کودکان و نوجوانان همچنان به عنوان یکی از موانع عدم توفیق در مقابله با نقض حقوق کودکان مطرح است. در این گونه جوامع گر چه حریم خصوصی در زمینه های مربوط به مسائل سیاسی و امنیتی کمتر ارزش و اهمیتی برای دولتها دارد، اما در زمینه مسائل کودکان کمتر مورد تعرض دستگاههای دولتی قرار می گیرند. در حقیقت دولتها در این گونه جوامع به دلیل این که اساسا دغدغه حقوق بشر ندارند، بلکه خود منشا نقض های نظام مند حقوق بشر در جوامعشان هستند، کمتر زحمت توجه و یا سرمایه گذاری در برخورد با نقض حقوق بشر در درون خانواده را به خود میدهند. همین بی توجهی دستگاههای مربوط تا حدود زیادی باعث شده است که امار و تصویر روشنی از میزان نقض حقوق کودکان در خانواده ها وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، نظام سیاسی اقتدار گرا و نوعا سرکوب گری که در این گونه جوامع وجود دارد، خود الگویی از اقتدار گرایی غیر پاسخ گو یانه را برای قدرتمندتر های خانواده و در نهایت والدین و به خصوص پدر خانواده و در نهایت والدین و به خصوص پدر خانواده فراهم نموده است. البته این هرگز به آن معنا نخواهد بود که والدین همانگونه حقوق کودکان را نقض می کنند که روسای دولتها. اما می توان گفت بسیاری از روسای خانواده از سر مصلحت خواهی و خیر خواهی، کودکانشان را به مسیری سوق میدهند که خود می خواهند، نه مسیری که کودکان می خواهند و یا مسیری در نهایت به مصلحت کودکان است و البته وجود نمونه هاییتکان دهنده از کودک ازاری کودکان در برخی از خانواده ها خود نمونه غم انگیز دیگری است. (همان: ۳۵۷ و ۳۵۸). این مهم قابل درک است که نقض کننده حقوق کودکان دولتها و خانواده های آنها می باشند و به موجب حقوق بین الملل در چهارچوب مفاد کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند لازم الاجرا دولتها و جامعه بین المللی در حمایت از کودکان در سطوح ملی و بین المللی متعهد می باشند.

با توجه به آن چه که ذکر شد در خصوص گسترش پدیده بزهکاری و ضعف روحی و جسمی اطفال در جریان جامعه پذیری مسأله حمایت از اطفال دارای نقش بسیار مهمی است که در این میان رسانه های جمعی بالاخص تلویزیون نقش مهم و مؤثری در تشدید یا پیشگیری از بزهکاری اطفال دارد که در این تحقیق در ابتدا تأثیر تلویزیون بر بزهکاری اطفال مورد بررسی قرار گرفته است و از سوی دیگر به بررسی مقررات حمایتی از اطفال در برابر تلویزیون و محتواهای مؤثر آن در بزهکاری اطفال در سطح بین المللی و حقوق داخلی ایران همراه با بررسی تطبیقی نسبت به مقررات خارجی صورت گرفته است و به این بحث پرداخته شده است که آیا مقررات بین المللی و داخلی در سطح جهانی و ملی آیا برای کاهش تأثیرات تلویزیون بر بزهکاری اطفال و گسترش جنبه های مربوط به پیشگیری از بزهکاری اطفال مؤثر بوده اند یا خیر و این مقررات تا چه حد جامعیت داشته اند و بر محتواهای تلویزیونی توجه داشته اند.

بخش اول - تأثیر تلویزیون بر بزهکاری اطفال

الف) تلویزیون و بزهکاری اطفال

مسئله بزهکاری اطفال دارای مفهوم خاصی است که در نظام‌های حقوقی مختلف نسبت به آن با توجه به سن مسئولیت کیفری برخورد می‌شود، در ابتدا لازم است توضیح داده شود که بزهکاری اطفال از لحاظ حقوقی به چه معنا می‌باشد؟ تشکیل شده از دو واژه بزهکاری و اطفال می‌باشد که بزهکاری^۱ را از لحاظ لغوی شاید می‌توان با جرم مترادف دانست و بزهکار هم ردیف جرم می‌باشد، در خصوص این که چرا نسبت به اطفال از واژه بزهکاری استفاده می‌شود باید گفت که واژه بزهکاری نسبت به دو اصطلاح جرم و کجروی اعم بوده و هر دو را شامل می‌شود. بدیهی است منظور از کجروی آن دسته از رفتارهای اجتماعی کودکان و نوجوانان است که نقض صریح قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی تلقی می‌شود، اگرچه قانوناً جرم نیست یا به اعتبار وضعیت مرتکبین آن‌ها اطلاق عنوان جرم بر آن‌ها صحیح و منطقی نخواهد بود. امکان تعقیب و پیگیری این دسته از اعمال ارتكابی در مراجع قضایی با مجموع عوامل و شرایط ذیربط یا میسر نیست و به نتیجه نمی‌رسد و یا این که به مصلحت نیست.

بنابراین بهترین راه مبارزه با آن‌ها شناخت علمی و واقع‌بینانه این پدیده‌ها و تلاش در جهت پیشگیری و کنترل آن‌ها خواهد بود. (شاملو، ۱۳۹۰، ۱۰۷)

مفهوم طفل واژه‌ای است که از لحاظ حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف تعاریفی از آن ارائه شده است ولی طفل را به طور کلی از لحاظ حقوقی باید گفت کسی است که به رشد و نمو جسمی و روحی برای زندگی اجتماعی نرسیده است. (عبادی، ۱۳۸۶، ۵)

کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند معتبر بین‌المللی که از سوی اکثریت جامعه جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است در ماده یک طفل را فرد زیر ۱۸ (هجده) سال تلقی کرده است ولی این تعریف را کنوانسیون مذکور مطلق ندانسته و تعیین سن کودک را به قانون‌گذاری‌های داخلی کشورها واگذار کرده است.

در رهنمودهای راجع به عدالت برای کودکان بزه دیده و شاهد جرم سازمان ملل متحد محدوده سنی طفل را به طور مطلق تا سن هجده (۱۸) سال تعیین شده است.

طفل از لحاظ جسمی، روانی، هنوز رشد نکرده است و معیار سن وی بر اساس وضعیت جسمانی و روانی باید تعیین گردد و با توجه به این که طفل از جنبه‌های روانی و جسمانی هنوز رشد نکرده است علاوه بر معیار سن با توجه به این که رشد جسمی و روانی با توجه به محیط‌ها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت می‌باشد که سن کودک را با توجه به عوامل ذهنی و جسمانی باید تعیین نمود. در حقوق کیفری ثمره عملی تفکیک بین اطفال و بزرگسالان در نحوه واکنشی است که در قبال رفتار مجرمانه کودکان بر حسب تکامل دوره سنی، عاطفی و ذهنی وی اتخاذ می‌گردد که باید در غالب یک سیاست جنایی متناسب تجلی گردد.

اصطلاح بزهکاری اطفال با رشد فکری جامعه بشری و تکامل حقوق جزاء برای اولین بار در سال ۱۸۱۵ میلادی در قوانین انگلستان عنوان شد و بعدها به عناوین مختلف از قبیل اطفال بزهکار یا بزهکاری جوانان و ... در تمام دنیا متداول گردید. (دانش، ۱۳۵۲، ۹)

^۱ - guilty

کودکان بزهکار با توجه به عوامل خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی مرتکب بزه می شوند و تلویزیون به عنوان وسیله‌ای تأثیرگذار در محیط بر شخصیت و روان کودک تأثیر داشته و می‌تواند موجبات بزهکاری، تشدید رفتارهای بزهکارانه و یا پیشگیری از آن را فراهم سازد.

از نیمه‌ی قرن بیستم با رشد تکنولوژی‌های ارتباطات تلویزیون به عنوان یک وسیله ارتباطی تصویری مورد توجه قرار گرفت و جمعیت بسیار زیادی را به خود جذب کرد به طوری که در اکثر خانه‌ها می‌توان تلویزیون را مشاهده نمود و افراد ساعاتی چند از روز را صرف تماشای تلویزیون می‌نمایند، که در نتیجه تماشای آن تحت تأثیر برنامه‌های آن قرار می‌گیرند که موجب شکل‌گیری رفتارهای افراد بالاخص کودکان تحت تأثیر برنامه‌های تلویزیون می‌شود. تلویزیون با ارائه برنامه‌های متنوع و جذاب برای گروه‌های سنی منجر به ایجاد ارتباطی مؤثر می‌شود که دارای آثار مثبت و منفی مختلفی می‌باشد.

کودکان یک گروه اندک یا یک اقلیت نمی‌باشند بلکه بنابر تعریفی که از کودک در سطور قبل ارائه دادیم باید بگویم کودکان خود ۳۶ درصد (۲/۱ میلیارد نفر) از کل جمعیت جهان را که حدود ۶ میلیارد نفر است تشکیل می‌دهند. توزیع جمعیت کودکان در قاره‌ها و کشورهای نابرابر است. از این تعداد ۱۳ درصد در کشورهای ثروتمند و حدود ۸۷ درصد در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. (گزارش از سایت یونیسف)^{۱۲} با توجه به کثرت جمعیت کودکان و گرایش آن‌ها به تلویزیون و سایر رسانه‌های الکترونیکی می‌توان شاهد یک رابطه عمیق بین کودکان و ابزارهای مذکور و تأثیرات آن‌ها بر رفتارهای کودکان بود که ضرورت بررسی تأثیر تلویزیون بر بزهکاری کودکان با توجه به کثرت جمعیت کودکان و گسترش استفاده از ابزار مذکور بیش از پیش اهمیت می‌یابد. به طوری که بنابر آمارهای جهانی در سال ۱۹۹۶ از هر ده‌خانه در جهان هفت خانه صاحب یک دستگاه تلویزیون بوده است. (Lamb, 1998:31)

کشورهای توسعه یافته خانه‌ها در چندین تلویزیون می‌باشند و کودکان دارای تلویزیون‌های اختصاصی هستند که ممکن است ساعاتی را که یک کودک صرف تماشای تلویزیون می‌کند بیش از ساعاتی باشد که در مدرسه سپری می‌کند و با آغاز قرن بیست و یکم در دهه اول قرن حاضر با توجه با پیشرفت‌های تکنولوژیک و رشد و توسعه جامعه اطلاعاتی استفاده از تلویزیون به عنوان یک تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی به حداکثر میزان ممکن رشد خود رسیده است به گونه‌ای که امروز کم‌خانه‌ای را می‌توان یافت که در آن تلویزیون نباشد لذا بررسی تأثیر این وسیله بر بزهکاری اطفال چه از لحاظ تشدید بزهکاری و چه از جنبه‌های پیشگیری از جرم دارای ارزش و اهمیتی دوچندان می‌باشد.

تلویزیون به عنوان یک رسانه جمعی که در همه جای جهان معاصر حاضر است و کودکان را به خود جذب می‌کند به گونه‌ای که علاقه کودکان به تلویزیون و تأثیرپذیری آنان از تلویزیون دوچندان می‌باشد محتوای برنامه‌ها در تأثیرپذیری نسبت به کودکان دارای نقش عمده می‌باشد، محتوا می‌تواند خشونت، رفتارهای ناشایست، ترس، استرس، نژادپرستی، خودخواهی، آموزش از طریق ارتکاب جرم، عادی‌سازی اعمال مجرمانه را تبلیغ و ترویج نماید. بالاخص نسبت به کودکان که از لحاظ ذهنی و روانی رشد نیافته‌اند و به بلوغ فکری نرسیده‌اند، توان تشخیص واقعیت از غیر آن را ندارند و واقعیت‌گریز و تخیل‌گرا می‌باشند و توانایی تمیز ندارند به همین علت از برنامه‌های تلویزیون تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرپذیری ممکن است موجب بزهکاری کودکان شود که ناشی از محتوای برنامه‌های تلویزیون می‌باشد، از طرف دیگر یک سلسله عوامل در گرایش کودکان به تلویزیون نقش دارند که این عوامل را می‌توان در مواردی چون عدم ارتباط مناسب با همسالان روابط سرد اجتماعی، عدم برقراری رابطه عاطفی مناسب با اعضای

^{۱۲} The state of the world children 2001 <http://www.unicef.org> coctober 2000.

خانواده، شکست در روابط شخصی و محرومیت و فقدان امکانات دانست که موجبات گرایش و تأثیرپذیری کودکان از تلویزیون را فراهم می‌سازد. تأثیرات تلویزیون بر رفتار کودکان که زمینه بزهکاری را فراهم می‌کند بیشترین نگرانی را مطرح می‌کند به طوری که در طی دهه ۱۹۹۰ میلادی خطرهای بالقوه کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای، بازی‌های الکترونیکی، اینترنت و جریان مداوم و شدید انتقال آن به کشورهای مختلف، اثرات زیان‌بار خشونت در محتوای رسانه‌ای، در معرض آسیب قرار گرفتن تولیدات داخلی و دیگر محتوای رسانه‌ای، بررسی شیوه‌ها و راهکارهای بین‌المللی برای خنثی کردن و مقابله با محتوای نامطلوب رسانه‌ها (عصام، ۱۳۸۰: ۱۴۱) و به عنوان چالش‌های اساسی مورد بحث قرار گرفته‌اند. زمانی که تمام کودکان و نوجوانان به تلویزیون دسترسی دارند اما بیشتر محتوا برنامه‌های تلویزیون مربوط به بزرگسالان است این موضوع را باید به علت عدم تناسب محتوای برنامه‌های تلویزیونی با مخاطبان آنها یک خطر برای کودکان تلقی کرد زیرا که آنها در معرض محتوایی قرار می‌گیرند که برای آنها نامتناسب است. (internewseurope, 2014: 16) محتوای برنامه‌های تلویزیونی که به وسیله تلویزیون انتقال می‌یابند دارای برجستگی خاصی در امر آموزش می‌باشند. این محتوا اگر حاوی مطالب مفید و آموزنده باشد در زمینه امور آموزشی بسیار مفید و قابل استفاده است و در زمینه‌های مختلف می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. محتوا مفید تلویزیون می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را در کودکان ترویج کند و موجب نهادینه‌سازی این ارزش‌ها گردد. تلویزیون دارای کارکرد خاصی در ترویج هنجارها می‌باشد که با ارائه محتوا مفید و آموزنده می‌تواند این نقش را در میان سطوح مختلف جامعه به ویژه کودکان ایفا نماید. اما در مقابل ارائه محتواهای نامناسب برای کودکان اعم از این که شبکه‌های تلویزیونی برنامه‌هایی ارائه دهند که برای کودکان مناسب نباشد چون پخش گسترده برنامه‌های بزرگسالان که کودکان به صورت ناخودآگاه مخاطب آن قرار گیرند یا پخش برنامه‌های ناهنجار که رفتارهای نامعقول و مجرمانه را ترویج می‌کنند موجبات این را فراهم می‌سازد که کودکان به صورت ناخودآگاه درگیر فرایند مجرمانه شوند. این محتوا تأثیر دوگانه تلویزیون را هم در فرایند فرهنگ‌سازی و پیشگیری از وقوع جرائم و هم در تشویق به ارتکاب جرم و تشدید زمینه‌های بزهکاری بیان می‌کند.

که به نظر می‌رسد برای بررسی موضوع لازم است محتوای برنامه‌های تلویزیون از جهات مختلف مورد بررسی قرار بگیرد که از سه جهت محتوای تلویزیون را می‌توان مورد بررسی قرار داد.

۱. محتوای برنامه‌های کودکان در تلویزیون

۲. محتوای تبلیغات بازرگانی

۳. محتوای سایر برنامه‌های تلویزیونی

۱. محتوای برنامه‌های کودکان در تلویزیون

برنامه‌های کودکان که شامل کارتن و سایر برنامه‌های مربوط به سرگرمی می‌باشند بیشترین توجه کودک را به خود جلب می‌کنند و کودکان ساعات زیادی از روز را صرف تماشای برنامه‌های کودک می‌نمایند، محتوای برنامه‌های کودک اغلب ممکن است ناشی از تخیل و دنیای غیرواقعی باشد و از سوی دیگر ذهن کودک در تمیز آن با واقعیت ناتوان باشد و آن‌ها را واقعیت بنگارد که همین موضوع باعث می‌شود کودک تحت تأثیر این محتوا قرار گرفته و رفتارهای وی مبتنی بر محتواهای تخیلی که از واقعیت به دور بوده و حاوی خشونت، قتل، مصرف مواد مخدر و روان‌گردان ... باشد قرار بگیرد. برنامه‌های کودکان از سوی دیگر به علت وارداتی بودن و عدم مطابقت با فرهنگ محیط کودکان موجب ایجاد دوگانگی فرهنگی و از بین رفتن ارزش‌ها می‌شوند به گونه‌ای که در اغلب کشورها برنامه‌های کودکان از خارج تهیه می‌شوند که محتواهای آن متفاوت با فرهنگ بومی کشورها می‌باشند به گونه‌ای که قریب به ۴۷ درصد از کل برنامه‌ها کودکان تولیدات خارجی است. حتی در کشور چین برخلاف هندوستان، دولت بر برنامه‌های

ماهواره‌های کنترل و نظارت دارد، بالغ بر ۶۵ درصد از پخش برنامه‌های کودکان در تلویزیون سراسری و همچنین تلویزیون‌های کابلی آن در سال ۱۹۹۸ برنامه‌های کارتونی بوده است که همه از کشورهای خارجی وارد شده بودند. تأثیر برنامه‌های کودک بر خشونت کودکان و تقویت رفتارهای خشونت‌آمیز غیرقابل انکار است به گونه‌ای که بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز کودکان ناشی از برنامه‌های کودک می‌باشد.

خشونت ابزار اشکار بیان قدرت فیزیکی علیه خود یا دیگری، اقدام تحمیلی علیه خواست خود یا طرف مقابل از ترس صدمه دیدن یا کشته شدن و در واقع صدمه زدن و کشتن است. بحث تلویزیون و خشونت در کودکان یکی از پر سر و صدا ترین موضوعات دنیای حاضر است. به طوری که کمتر اندیشمندی را می‌توان یافت که در این موضوع داد سخن نداده باشد. به خصوص اگر اندیشمندی اجتماعی باشد. ولی چون موضوع بحث حاضر بیان برخی از کارکرد های تلویزیون است به بحث های تفضیلی و جزئیات این معضل و مشکل اجتماعی زیاد وارد نمی‌شویم. اما به کوتاه به تاثیر تلویزیون بر میزان خشونت می‌نگریم. با نگاهی به دنیای اطراف خود به روشنی در می‌یابیم که در دنیای امروز خشونت موج می‌زند و خشن بودن نشانه قدرت است و جذابیت زیادی دارد. در این دنیا انسانها در لحظاتی که تحت فشارند خشن می‌شوند و درست در همین لحظات نوجوانان و بزرگسالان به باور های قدیمی خود درباره نقش خشونت در جامعه و رفتار های افراد رجوع می‌کنند. باور هایی که بخش عمده آنها متأثر و برگرفته از تلویزیون است که نماینگر اوج خشونت در زیبا ترین و فریبنده ترین جلوه هاست و این امر یک امر مسلم و بدیهی است که کسی نمیتواند در آن شک کند. (براندون، ۱۳۷۷: ۲۰۰). این صحنه های خشونت آمیز در عین جذابیتی که به عنوان جلوه های سینمایی دارند و مخاطبین را به خود جذب می‌کنند و به منظور کسب سود و جذب مخاطب ممکن است در کارهای تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی مورد توجه قرار بگیرد برای بزرگسالان قابل درک است و آنها به علت دارا بودن قوه درک و رشد عقلی این را تشخیص می‌دهند که این تصاویر خشونت آمیز صرفاً ممکن است در سریال های تلویزیونی برای سرگرمی و جذب مخاطب باشند. اما کودکان به علت عدم رشد کافی عقلی و نداشتن توانایی در تشخیص این محتوا های خشونت آمیز به سرعت جذب این محتوا ها شده و تحت تاثیر قرار میگیرند و حرکات خشونت آمیز جزئی از رفتار و شخصیت آنها شده و در زندگی اجتماعی در رفتار های آنها هویدا می‌گردد و شخصیت های منفی سریال های خشونت آمیز الگو رفتاری آنها قرار میگیرد. و رفتار های خشن تحت تاثیر برنامه های تلویزیونی موجب صدمه زدن به دیگران و وقوع رفتار های مجرمانه به افراد دیگر مخصوصاً کودکان همسال می‌گردد که همه اینها تحت تاثیر خشونت متأثر از برنامه های تلویزیونی است به طوری که اگر این محتوا های خشونت آمیز در تلویزیون ارائه نمیشد کودکان نیز تحت تاثیر آن مرتکب رفتار های خشن نمی‌شدند.

۲- محتوای تبلیغات بازرگانی

تبلیغات بازرگانی که در تلویزیون پخش می‌شوند دارای ابعاد گوناگون می‌باشند که از جنبه‌های ارزشی، مذهبی، اقتصادی و... سعی در جذب افراد دارند به طوری که یکی از اهداف تبلیغات بازرگانی جذب کودکان می‌باشد. موضوع نسبت به کودکان دارای اهمیتی دوچندان است زیرا که کودکان نه چنان چه در قبل ذکر شد هنوز به رشد ذهنی و روانی کامل نرسیده‌اند و شناخت آنان از آغاز جهان و جامعه در مقایسه با تولیدکنندگان برنامه‌ها ناقص است آنان آسان‌تر تقلید می‌کنند. چرا که نظام رفتاری آنها کاملاً شکل نگرفته است، آسان‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند چرا که اشتیاق بسیاری برای یادگیری دارند، آسان‌تر گول پاداش‌ها (مثل جوایز یا هدایای اعلام شده در تبلیغات تجاری تلویزیون) را می‌خورند چرا که هنوز خود مستقلاً نمی‌توانند از پاداش‌های اجتماعی بهره بگیرند و به خانواده وابسته‌اند و اصولاً هزینه‌ها و مابه‌ازاهای پاداش‌های اجتماعی را نمی‌دانند و آسان‌تر از تنبیهات (در مواردی که ترس یا خشونت مبنای یک تبلیغ قرار می‌گیرد) فاصله می‌گیرند چرا که هنوز تصور روشنی از نظام تنبیهات اجتماعی و راه‌های برون رفت از آن ندارند. (محمدی ۱۳۷۹: ۱۰۹) تبلیغات بازرگانی در تلویزیون، بالاخص در حوزه محصولات جانبی

برنامه‌های دارای فعالیت‌های گسترده‌ای می‌باشند، چنان که در حال حاضر بیشتر آگهی‌های تلویزیونی نیز هدف فعالیت‌های خود را جذب کودکان و نوجوانان قرار داده‌اند. تبلیغات برای کودکان و نوجوانان فقط به برنامه‌های خود آنان ختم نمی‌شوند؛ در بعضی از کشورها نظیر هند، تبلیغ کالاها برای کودکان در خلال مجموعه‌ها و سریال‌های جنایی ترسناک پخش می‌شود. (عصام: ۱۴۴) مشاهده می‌شود که تبلیغات بازرگانی در تمام شبکه‌های تلویزیونی و در تمام ساعات روز سعی به جلب توجه کودکان دارند که محتواهای آن‌ها نیز در این زمینه دارای جنبه‌های مثبت و منفی خود است هرچند که ممکن است بگوئیم تبلیغات بازرگانی دارای آثار مثبتی چون که اختیار قراردادن اطلاعات کالاها، تقویت حس زیبایی‌شناسی در کودکان و تأثیر در بهداشت عمومی چون تبلیغ مسواک‌زدن، رعایت بهداشت و... را دارند. یکی از جنبه‌های تماشای تلویزیون که زیاد مورد توجه قرار گرفته است تبلیغات بازرگانی است. که تأثیر منفی این تبلیغات بر نگرش و علایق کودکان باید مورد توجه قرار گیرد. کودکان بین سه تا چهار سال معمولاً می‌توانند تفاوت بین تبلیغات بازرگانی و برنامه‌های تلویزیونی را تشخیص دهند، با این حال کودکان تا هشت سالگی از قصد برنامه‌های تجاری تلویزیونی آگاه نیستند. کودکان معمولاً اطمینان دارند که تبلیغات تلویزیونی درست هستند. آنها نمی‌توانند انگیزه شرکتها را از تبلیغات به درستی درک کنند، از این رو تبلیغاتی که مخاطبان آن کودکان و نوجوانان هستند دست کم دو پیام منفی دارند، نخست آنکه کودکان ممکن است با والدینشان بر سر خرید محصولات که تبلیغ آن را در تلویزیون دیده‌اند دچار تعارض شوند. به این دلیل که کودکان در مقایسه با بزرگترها زودتر فریب می‌خورند، پذیرش قضاوت والدین درباره یک کالای تبلیغ شده برایشان دشوار است. دومین پیامد این گونه تبلیغات تلویزیونی، مصرف زیاد محصولات قضایی مانند آب نبات و نوشیدنی‌های شیرین میوه‌ای است. جالب‌تر این که تبلیغ این قبیل محصولات تبلیغ قریب به هتاد درصد تبلیغات تلویزیونی مربوط به کودکان را تشکیل می‌دهد. مشاهده این تبلیغات بر باورهای کودکان در تغذیه و انتخاب آنان در مواد غذایی تأثیر می‌گذارد. کودکان نمی‌توانند درک کنند که خوردن این گونه مواد غذایی دارای فند زیاد سبب افزایش وزن و پوسیدگی دندان‌هایشان می‌شود. وقتی کودکان در معرض این تبلیغات قرار بگیرند و قدرت انتخاب داشته باشند این مواد خوراکی را انتخاب می‌کنند حتی اگر بدانند میوه جات و سبزیجات خوراکی‌های سالمتری هستند (فیلیپ نیومن و باربارا نیومن، ۱۳۷۷: ۱۳۴). اما آثار منفی خطرناکی نیز در تبلیغات بازرگانی وجود دارد چون فریب خوردن کودکان، وارد شدن فشار اقتصادی، بر والدین در تبلیغات مربوط به کالاها، مربوط به سرگرمی کودکان، ایجاد استقلال کودکان در تصمیم‌گیری نسبت به والدین، گرایش به دخانیات، مواد مخدر و روان‌گردان، خودکشی، قتل، خشونت و سرقت و... همه آثار منفی تبلیغات بازرگانی تلویزیون بر کودکان می‌باشند، تبلیغات بازرگانی باید از حیث محتوا و چگونگی تبلیغ مورد توجه قرار بگیرند به گونه‌ای که بسیاری از وجوه قانون‌گذاری در تبلیغات تلویزیونی در جهت کاهش وجوه استثماری و فریب دهنده تبلیغات برای کودکان صورت می‌گیرد عبارتند از:

- ◀ عدم استفاده از صداهای گوش‌خراش و تحریک‌کننده.
- ◀ عدم استفاده از تکنیک‌های بصری مثل برش‌های سریع، رنگ‌های خاص و نورهای شدید که وجه گول‌زنندگی داشته باشند.
- ◀ عدم تحریک کودک به وارد کردن فشار بر والدین جهت خرید یک کالا یا استفاده از یک مجموعه خدمات.
- ◀ عدم استفاده از افراد، شیوه‌ها، مفاهیم و فنون به نحوی که کودک میان برنامه عادی و تبلیغ تجاری غلط کند.

◀ عدم استفاده از شخصیت‌هایی که کودک بدان‌ها اعتماد دارد. (محمدی، ۱۳۷۹، ۱۱۵)

۳- محتوای سایر برنامه‌های تلویزیونی

در خصوص محتوای سایر برنامه‌های تلویزیونی باید نسبت به فیلم و برنامه‌های مختص بزرگسالان چون فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها و اخبار تلویزیون توجه شود که محتوای این برنامه‌ها خاص بزرگسالان است بالاخص در عصر حاضر محتوای برنامه‌های خاص به بزرگسالان ممکن است حاوی مضامینی چون خشونت، جنایت، بزهکاری، زشتی و... باشد که کودکان با تماشای آن مورد آسیب قرار بگیرند و درون و برون مورد تهاجم جسمی و روحی قرار بگیرند. حتی اخبار تلویزیونی نیز از حیث ارائه اخبار نیز ممکن است کودکان تحت تأثیر اخبار خشونت‌آمیز جنگ‌ها، جنایات و... قرار بگیرند.

ماری وین نویسنده کتاب کودکان بدون کودکی، مدارکی ارائه داده دال بر آن که کودکان تحت تأثیر محتوای رسانه‌ای بیشتر شبیه بزرگسالان و می‌پرسد «آیا در عصر سپهر پیام‌ها کودکی وجود دارد؟ کودکانی که خشن‌ترین حوادث را بر صفحه تلویزیون تماشا می‌کنند، دنیایی متفاوت از دنیای کودکان قرن‌های پیش تجربه کرده‌اند. (عصام، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

ب) تلویزیون و تشدید و پیشگیری از بزهکاری اطفال

یکسری عوامل در برنامه‌های تلویزیونی در بزهکاری اطفال دارای تأثیر می‌باشند که این عوامل در سطور قبل مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- ◀ برنامه‌های غیرواقعی و تخیلی.
- ◀ برنامه‌های نامناسب سن کودکان.
- ◀ برنامه‌های خشونت بار.
- ◀ تبلیغات بازرگانی غیراستاندارد.
- ◀ برنامه‌های دارای محتوای جنسی.
- ◀ استفاده از کودکان در تهیه برنامه‌های نامناسب.
- ◀ برنامه‌های هیجانی و اضطراب‌زا.
- ◀ برنامه‌های جنایی و ترویج کننده اعمال مجرمانه.
- ◀ برنامه‌های ترویج دهنده خودکشی.
- ◀ برنامه‌های همراه با استعمال مواد مخدر و روان‌گردان.
- ◀ از سوی دیگر برنامه‌های تلویزیونی دارای نقش مؤثر در پیشگیری از بزهکاری نیز می‌باشند که محتواهای ذیل می‌تواند در پیشگیری از بزهکاری اطفال از طریق تلویزیون مؤثر باشند.
- ◀ برنامه‌های اعتقادی، منجر به تقویت اعتقادات مذهبی و اخلاقی کودکان گردند.
- ◀ برنامه‌های آموزشی در جهت بالا بردن سواد رسانه‌ای کودکان.
- ◀ ذکر عناوین غیرواقعی بودن برنامه‌ها در برنامه‌های تلویزیونی. برای کاهش اثرات تلویزیون بر بزهکاری اطفال یک سلسله راهکارها وجود دارد که آن راهکارها را می‌توان در یک سلسله عوامل حقوقی و غیرحقوقی دانست که عبارتند از:

◀ نقش خانواده در نظارت بر استفاده کودکان از تلویزیون و کمک خانواده در فهم کودکان نسبت به محتوای برنامه‌های تلویزیون.

◀ استفاده از متخصصان روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی در تهیه برنامه‌های تلویزیونی.

◀ تهیه کانال‌های تلویزیونی مخصوص کودکان و تعیین ساعات خاص برای ارائه برنامه‌های بزرگسالان از طریق وضع مقررات.

◀ تطبیق برنامه‌های تلویزیونی با مقتضیات فرهنگی.

◀ قانون‌گذاری در زمینه محتوای برنامه‌های تلویزیونی و حمایت از کودکان در برنامه‌های تلویزیون و توجه به حمایت از کودکان به عنوان یک اصل در قوانین و مقررات مربوط به تلویزیون.

رسانه‌ها می‌توانند شیوه‌های مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن را به مردم آموزش دهند. آنها با به تصویر کشیدن فرایند بزهکار شدن یک فرد به مخاطب می‌آموزند که چگونه با اتخاذ تدابیر صحیح تربیتی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی، مانع بزهکار شدن خود و اطرافیان‌شان بشوند. البته گفته می‌شود انعکاس اخبار جرائم در رسانه‌ها منجر به بدآموزی می‌شود، ولی از آنجا که بزهکاری امری غیر عادی است و در اکثر موارد قربانیانی را به همراه دارد و احساساتی را جریحه‌دار می‌سازد، در صورتی که هیچ رسانه‌ای آن را پوشش ندهد، بازهم راه‌های غیر رسمی و آن‌هم نه همان‌گونه که اتفاق افتاده، بلکه بر اساس برداشت‌ها و سلیقه‌های افراد بازگوکننده مطرح می‌شود و به گوش مردم می‌رسد، عدم درج جرائم اخبار در رسانه‌ها، کنجکاوی مردم را نسبت به دانستن حقیقت بر می‌انگیزد و به هر حال آنها اخبار لازم را حتی از منابع نامعتبر دریافت می‌کنند، باید توجه کرد که مسکوت گذاشتن اخبار حوادث و اتفاقات و نپرداختن رسانه‌ها به آنها هم خود موجب احساس نگرانی و هراس در مردم می‌شود، زیرا آنها از یک طرف شاهد حوادث و ناامنی‌های موجود در شهر یا محل زندگیشان هستند، از طرف دیگر تحلیل و تفسیر درستی از وقایع به آنها داده نمی‌شود (شایگان، ۱۳۸۹: ۹۳). ممکن است برای یافتن پاسخ به هر وسیله‌ای روی آورند و تفسیرهای تا حدی صحیح بگیرند و موجب ناامنی بیشتر بشوند، لذا بهتر است مردم حقیقت را از منابع معتبر و فراگیرتری مانند رسانه‌ها بگیرند. (بیابانی، ۱۳۹۲: ۳۹). با رواج دیدگاه رسانه‌سالاری که از قدرت بالای رسانه‌ها در القا و تاثیرگذاری بر روی مخاطبان صحبت به عمل می‌آورد و برای مخاطبان در قبال پیامهای رسانه‌ای عمومی نقش انفعالی و تاثیرپذیر قائل است. اما دو اثر جرم‌زا و جرم‌زدای رسانه‌ها به عنوان ابزاری مکمل و تسهیل‌کننده سیاست جنایی رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات متناقض در رابطه با جرم‌زایی رسانه‌ها بیشتر به مشکلات ذاتی این عرصه بر می‌گردد زیرا انجام تحقیقات کمی در غیر شرایط آزمایشگاهی و تاثیرات بر جنبه‌های کیفی زندگی بسیار دشوار و غیر قابل تعمیم است، در نتیجه اکثر شواهد حالت توصیفی دارند تا بررسی کمی دوماً شیوه‌های تاثیرگذاری رسانه‌ها بر جرائم بسیار زیاد است، سوماً به دلیل کوچک بودن جرم‌زایی رسانه‌ها در سطح جامعه و پیوند آن با سایر عوامل نمیتوان مستقلاً نقش سایر رسانه‌ها را سنجید، چهارم آن مشخص کردن دقیق افرادی که تحت تاثیر رسانه مجرم شده‌اند با توجه به تاثیرات ناآگاهانه رسانه‌ها مشخص نیست. از طرفی چه بسا برخی از رسانه‌ها در زمینه ارتکاب بزه تاثیر پذیرفته باشند (جهان‌بین، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

رسانه‌های گروهی به عنوان ابزاری آموزشی توانمند دارای نقش موثری در پیشگیری از وقوع جرم می‌باشند. تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با نقش سازنده و مثبت رسانه‌های گروهی در این زمینه وجود دارد. اهمیت ویژه رسانه به عنوان نخستین نماینده تولید دانش، انتشار، ترویج علوم، فنون و نیز ناظر عمومی و کارگزار اطلاعات مشخص شده است. جرائم معمولاً مخفی و پنهان هستند، همین مخفیانه بودن جرم باعث می‌شود، که امکان جدا کردن عوامل تاثیر رسانه‌های جمعی و بررسی و سنجش نقش آنها بسیار دشوار

شود. (اسپایی، ۱۳۹۲: ۶۵). آگاه سازی فعالیت های سازماندهی شده ای هستند که توجه ما را به جرم و پیشگیری از آن جلب می کند. این طرحها از طریق آموزش، اطلاع رسانی و استفاده از رسانه ها در حجم وسیع اهداف پیشگیری خود را عملی می سازد. طرح های آگاه سازی ممکن است کوتاه مدت و یا بلند مدت باشند. رسانه ها در این فرایند آگاه سازی چه به صورت کوتاه مدت و چه بلند مدت دارای کار کرد ویژه ای هستند به طوری که از طریق این آگاه سازی می توانند افراد به ویژه کودکان را از جرائم دور نمایند و موجبات رشد آنها را در تمام ابعاد فراهم سازند و با تغییر الگوها و هنجارها میزان جرائم را کاهش دهند. به طوری که این اقدامات که سبب دوری کودکان از جرم و گاهی آنها و نهادینه کردن هنجارها به صورت برنامه های مستقیم و غیر مستقیم می گردد سبب پیشگیری از جرم می شوند.

باید در سطوح مختلف دولتها زمینه های لازم را در ارائه برنامه هایی که موجب پیشگیری از جرائم میشوند را فراهم سازند که این اقدامات در همکاری های بین المللی چون تصویب کنوانسیون های بین المللی و نظارت جهانی در قالب کمیته های ویژه و قانون گذاری کشورها و بکارگیری نهادهای حمایت از حقوق کودکان و اقدامات نظارتی به صورت قضایی و غیر قضایی می تواند باشد.

بخش دوم — توجه به تأثیر تلویزیون بر بزهکاری اطفال در اسناد بین المللی و مقررات حقوق موضوعه ایران

الف) اسناد بین المللی

در اسناد بین المللی معتبر چون اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی سیاسی به حمایت حقوقی از بشریت بالاخص کودکان و حمایت از کودکان به طور کلی تأکید شده است در میان اسناد بین المللی که به طور خاص به حمایت از کودکان پرداخته اند می توان از کنوانسیون حقوق کودک و قطعنامه های یونسکو نام برد که به طور کلی مسأله حمایت از کودکان را در رسانهها مطرح کرده اند.

الف - ۱) کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک سند معتبر بین المللی استانداردها و معیارهای قانونی الزام آوری را در بر دارد که در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تدوین و تصویب شد. کنوانسیون حقوق کودک که در آن به صراحت ذکر شده است که کودکان نیز مانند سایرین از حقوق بشر بهره مند هستند و همچنین به وجود شخصیت حقوقی متمایز و ظرفیت های در حال رشد آنها اذعان شده است، پیمان حقوق بشری بوده است که بیشترین و گسترده ترین پذیرش را در سطح جهان داشته است و ۱۹۲ کشور آن را تصویب نموده اند و یا به آن ملحق شده اند. ماده ۴۲ مهم آن پیمان نامه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مطرح می کند که برای پرداختن به نیازهای خاص کودکان تدوین و تنظیم شده است. (سرجیو، پیکارو، ۱۳۸۷: ۳۰)

در کنوانسیون حقوق کودک ده اصل فراگیر وجود دارد که این ده اصل عبارتند از:

۱. بردن کودکان در صحنه
۲. کودکان قبل از همه
۳. مراقبت از همه کودکان
۴. مبارزه با ایدز

۵. پایان دادن به آزار و استثمار کودکان
۶. گوش دادن به کودکان
۷. آموزش برای همه کودکان
۸. حفظ کودکان از جنگ
۹. حمایت از زمین برای کودکان
۱۰. سرمایه‌گذاری بر کودکان

اصول مذکور اصولی فراگیر می‌باشند که بر منظور حمایت از کودک باید در محتواهای برنامه‌های تلویزیونی مورد توجه قرار بگیرند و در واقع از لوازم رعایت اصول دهگانه فوق رعایت آن‌ها در برنامه‌های تلویزیونی می‌باشد. ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد «کودک باید حق آزادی بیان، آزادی انتخاب نوع رسانه و ایده‌های مختلف را بدون توجه به مرزها داشته باشد و محدودیت‌ها فقط در زمینه حقوق دیگران حفظ امنیت ملی و سلامت اخلاق جامعه رعایت بشود.» که ذکر سلامت اخلاق جامعه را می‌توان این گونه تفسیر نمود که برنامه‌های تلویزیون و سایر رسانه‌ها نباید باعث ضربه زدن به ابعاد اخلاقی شوند و منجر به تشدید بزهکاری در جامعه بشوند و فی الواقع استثنائی بر آزادی رسانه‌ها در راستای حمایت از کودکان می‌باشند و در ماده ۱۷ کنوانسیون مذکور در زمینه تشویق رسانه‌های ارتباط جمعی به اشاعه و گسترش اطلاعات مفید اجتماعی و فرهنگی برای کودکان و مبادله و گسترش اطلاعات و نشر کتاب و ارائه رهنمودهای مناسب برای حمایت از کودکان در برابر مطالب زیان‌آور است. در ماده ۱۷ کنوانسیون حقوق کودک آمده است که دولتهای عضو بر کارکرد و وظایف رسانه‌های گروهی صحه می‌گذارند و دسترسی کودکان به اطلاعات و مطالب گوناگون ملی و بین‌المللی را به ویژه اطلاعاتی را که موجب ارتقا رفاه اجتماعی و معنوی و اخلاقی و بهداشت جسمانی و روانی کودک می‌شود تضمین خواهند نمود و به این منظور دولتها به تشویق رسانه‌های گروهی جهت انتشار اطلاعات و مطالب اجتماعی و فرهنگی مفید برای کودکان با روح ماده ۲۹ هماهنگ باشد اقدام خواهند نمود. (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۹)

ماده ۱۷ حمایت از کودکان در برابر بزه دیده واقع شدن و از بین بردن عوامل بزهکاری از طریق رسانه‌ها تأکید دارد که به عنوان یک سند معتبر لازم‌الاجرا قابل توجه می‌باشد. مفاد این ماده بیانگر تعهد دولتها به برنامه‌های با محتوای مناسب برای کودکان است به گونه‌ای که دولتها متعهد هستند به منظور حمایت از کودکان برنامه‌های کلیه رسانه‌های گروهی به ویژه تلویزیون را به گونه‌ای ارائه دهند که برای کودکان مناسب باشد و در جهت رشد آنها باشد و به افزایش دانش و آگاهی کودکان و رشد فکری و اجتماعی آنها بیانجامد. ارائه محتواهایی در برنامه‌های تلویزیون به خصوص برنامه کودکان که منجر به ترغیب کودکان به بزهکاری شود و موجبات انحراف آنها را فراهم سازد خلاف تعهدات بین‌المللی می‌باشد. دولتها مکلفند بر محتوای برنامه‌های رسانه‌ای نظارت کنند و برنامه‌های که مضر برای کودکان هستند و حتی بعضاً منجر به انحراف آنها و تحقق رفتارهای مجرمانه در کودکان میشوند را کنترل نمایند به طوری که مبنای این نظارت در کنوانسیون حقوق کودک و اسناد معتبری چون اعلامیه جهانی حقوق کودک و میثاق حقوق مدنی و سیاسی که برای آزادی بیان قیودی قائل هستند را می‌توان یافت.

الف - ۲) اسناد بین‌المللی یونسکو^{۱۷}

یونسکو، مؤسسه علمی، فرهنگی و آموزش ملل متحد به موجب اساسنامه‌اش هدف اصلی حفظ صلح را از طریق فرهنگ و ارتباطات به عنوان یکی از آژانس‌های تخصصی ملل متحد وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برعهده دارد. یونسکو فعالیت‌های زیادی را در سطوح جهانی و منطقه‌ای در زمینه ارتباطات بین‌المللی انجام

^{۱۷} United nation scientific, educational, cultural organization.

- عدم به تصویر کشیدن کودکان در شرایطی که به اقتضای سن آنان خطرناک محسوب می‌شود. (اصل ۶۰ دستورالعمل)
 - ممنوعیت نشان دادن کودکان در حال استفاده از مواد ضد عفونی کننده و گندزدا. (اصل ۶۱ دستورالعمل)
 - ممنوعیت به تصویر کشیدن کودکان در حال بازی با و سیال آتش‌زاد و الکترونیکی که منجر به سوختگی و شوک الکتریکی می‌شوند. (اصل ۶۲ دستورالعمل)
 - چنانچه در صحنه‌های آتش‌سوزی کودکی نشان داده می‌شود همواره باید یک آتش‌نشان رد صحنه به وضوح قابل رویت باشد. (اصل ۶۳ دستورالعمل)
 - ممنوعیت ترغیب کودکان برای وارد نشدن به مکان‌های ناآشنا و گفت‌وگو یا غریبه‌ها. (اصل ۶۴ دستورالعمل)
- در سایر کشورهای جهان نیز اصل حمایت از کودک در برنامه‌های تلویزیونی به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است به گونه‌ای که در قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ مربوط به رادیو و تلویزیون در کشور فرانسه ضمن به رسمیت شناختن آزادی به تلویزیون به عنوان یک خدمت عمومی نگریسته است و حمایت از کودکان و نوجوانان را به عنوان یک استثماری بر آزادی در تلویزیون شناخته است. (معتدماً، ۱۳۸۹، ۴۳) گه در ارتباط با آگهی‌های بازرگانی اداره کل بازرگانی صدا و سیمای دستورالعملی تحت عنوان «دستورالعمل و مجموعه ضوابط تولید آگهی‌های تلویزیونی «تیزر»» ([Available at http://www.rotomation. Irhtml/Article/Article-16.htm](http://www.rotomation.ir/html/Article/Article-16.htm)) به عنوان یک دستورالعمل درون سازمانی نسبت به سازندگان و سفارش دهندگان آگهی‌ها قرار می‌گیرد از اصول ۵۳ تا ۶۴ آن رعایت مسائلی را در آگهی‌های بازرگانی نسبت به کودکان ملزم می‌نماید که بسیار جالب به نظر می‌رسند و آن اصول عبارتند از:
- نهی از بدآموزی و سوءاستفاده از زودباوری و کم تجربگی کودکان در تشخیص واقعیت‌ها. (اصل ۵۲ دستورالعمل)
 - عدم درخواست از کودک یا ترغیب وی به خرید کالا به عنوان وظیفه. (اصل ۵۳ دستورالعمل)
 - عدم تصویر کشیدن کودک در حین خرید کالا بدون حضور والدین. (اصل ۵۴ دستورالعمل)
 - عدم تلقین کودک مبنی بر احساسات مسخر، ضعف یا استهزاء در صورت نداشتن یک کالا.
 - عدم دعوت از کودک از طریق پست یا تلفن. (اصل ۵۵)
 - ممنوعیت پخش تبلیغات مربوط به مواد دارویی، بهداشتی، محترقه در هنگام پخش برنامه‌های کودک. (اصل ۵۷) و عدم ممنوعیت به تصویر کشیدن کودک هنگام خوردن غذاهای کمکی و مصرف دارو بدون حضور والدین ضرورت حمایت از کودکان را در برابر محتوا و پخش برنامه‌های تلویزیونی در سیستم فرانسه آشکار می‌سازد. در ایالات متحده آمریکا که بیشترین تلویزیون‌های خصوصی و تبلیغات تجاری در آن وجود دارد شش سازمان گوناگون یعنی Act (گروه پیگیری تلویزیون کودکان)، CMMC (شورای رسانه‌ها، امور بازرگانی و کودکان)، FFC (کمیسیون فدرال ارتباطات) NAB (اتحادیه ملی پخش کنندگان)، FTC (کمیسیون فدرال ارتباطات) و CBBB (شورای اتاق‌های بازرگانی بر تبلیغات تجاری نظارت دارند و هر کدام در آئین‌نامه‌های خود مقرراتی برای این امر در نظر گرفته، آن مقررات را در فعالیت‌های خویش اعمال می‌کنند. (محمدی، ۱۳۷۹: ۱۱۲): در ایران در سال‌های اخیر مقررات نسبت به نظارت بر محتوای برنامه‌های تلویزیونی رشد چشم‌گیری داشته است هر چند به نظر می‌رسد که باید بیشتر از این‌ها در مقررات‌گذاری نسبت به حمایت از کودک در برابر محتواهای تلویزیونی توجه بشود.

نتیجه‌گیری

تلویزیون امروزه به عنوان وسیله‌ای فراگیر و همه‌جا حاضر است به گونه‌ای که کمتر خانه‌ای را در دنیای امروز می‌توان یافت که تلویزیون در آن در دسترس نباشد و توجه کودکان هر روز ساعات بسیار زیادی را صرف تماشای برنامه‌های تلویزیون می‌کنند که شاید از ساعاتی که در مدرسه صرف تعلیم و تربیت می‌کنند بیشتر باشد و اعمال بسیار زیادی را از تلویزیون فرا می‌گیرد و چنان‌چه ذکر شد به علت زودباوری و عدم درک تأثیر از عدم رشد ذهنی و روانی به شدت تحت تأثیر محتوای آن قرار می‌گیرند که منجر به گسترش خشونت، رفتارهای بزهکارانه چون سرقت، قتل و... می‌شود که با نظارت دولت و اعمال محدودیت‌های قانون نه تنها می‌توان از اثرات منفی تلویزیون کاست بلکه از آن به عنوان ابزاری برای پیشگیری از بزهکاری استفاده کرد. پس چه در صحت جهانی و چه در سطح ملی ضرورت مقررات‌گذاری در این زمینه و انجام مطالعات حقوقی، فنی، جامعه‌شناسی روان‌شناسی ضروری می‌باشد. در سطح بین‌المللی با وجود کنوانسیون حقوق کودک چندان دقیق به مسأله تأثیر رادیو تلویزیون بر بزهکاری اطفال پرداخته نشده است و اسناد یونسکو و سایر سازمان‌های بین‌المللی نیز ضمانت اجرای محکمی از لحاظ حقوقی ندارند و با توجه به گسترش جامعه اطلاعاتی جهانی لازم می‌آید که یک توافق جهانی در راستای حمایت از کودک در برابر تکنولوژی‌های ارتباطی بالاخص تلویزیون در غالب یک کنوانسیون لازم‌الاجرا به عمل بیاید. هر چند که آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق مسلم بشری پذیرفته شده است به طوری که میثاق حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را به صراحت به رسمیت شناخته و آن را لازم‌الاجرا می‌دانند اما از استثنائات آزادی بیان اخلاق عمومی و نظم عمومی و حقوق دیگران است که برای آن مرز قائل شده و اطلاق این آزادی رامقید می‌سازند حتی در اسناد بین‌المللی اشاره شده نظم عمومی و اخلاق و حقوق دیگران قید های مسلم آزادی بیان می‌باشند. احترام به حقوق کودک ایجاب میکند که به منظور جلوگیری از آسیب به کودکان آزادی بیان را مقید ساخت و در ارتباط با مطالبی که موجب آسیب جسمی و روانی به کودکان می‌گردد نسبت به آزادی بیان قیودی قائل شد که در چهار چوب نظام کنوانسیون حقوق کودک مطالبی که مغایر با حمایت از کودکان بر مبنای اصول کنوانسیون حقوق کودک است را محدود ساخت.

محتوای برنامه‌های تلویزیونی که مغایر با مفاد کنوانسیون حقوق کودک است و موجبات بزهکاری کودکان را فراهم می‌سازد را نمیتوان بر مبنای آزادی بیان توجیه کرد بلکه به منظور پیشگیری از بزهکاری اطفال و به منظور فراهم نمودن موجبات رشد و تربیت کودکان دلتتها در چهارچوب کنوانسیون حقوق کودک مکلف به نظارت بر برنامه‌های تلویزیونی هستند به طوری که بر محتواهایی که منجر به تحریک و تشدید بزهکاری در کودکان می‌شود نظارت کنند. محتوای برنامه‌های تلویزیونی در چهار چوب اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبنای حق بر آموزش و اصول کنوانسیون حقوق کودک باید به منظور رشد و تربیت کودکان و پیشگیری از وقوع جرم در میان آنان باشد.

در سطح کشور صرف نظر از اساسنامه صدا و سیما که حمایت از ارزش‌های انسانی را به عنوان یک اصل قرار داده است و قانون مربوط به اساسنامه صدا و سیما به حمایت از ارزش‌ها، فضائل اخلاقی، مبارزه با فساد و پخش برنامه‌ها با توجه به مقتضیات سنی توجه داشته است و صدا و سیما دستورالعمل‌های داخلی نیز در این مورد دارد که از لحاظ حقوقی پیشرفت‌های چشم‌گیری است ضروری می‌نماید که قانونی جامع تحت عنوان حمایت از کودک در رسانه‌ها یا عنوان مشابه آن موجود باشد و از سوی مراجع قضایی و اجرایی نظارت و ضمانت اجراهایی برای اعمال آن وجود داشته باشد. البته به منظور حمایت از کودکان می‌بایست در چهارچوب مقررات رسانه‌ای قانون حمایت رسانه‌ای از کودکان موجود باشد که این قانون رسانه‌ها به ویژه تلویزیون را مکلف سازد که در راستای رسالت خود در جهت پرورش کودکان گام بردارد و محتوایی را ارائه دهد که زمینه‌های بزهکاری را در میان کودکان از بین ببرد و موجبات رشد کودکان و نوجوانان را فراهم سازد. کارکرد تلویزیون را به گونه‌ای است که در آموزش دارای نقش اساسی و غیر

قابل انکار است و قانون گذاری می تواند تلویزیون را ملزم سازد که در راستای پیشگیری از بزهکاری در چهار چوب کارکردش گام بردارد.

منابع

- آسیایی، رویا، (۱۳۹۲)، "جایگاه رسانه ملی در عصر ارتباطات و نقش آن در جرم زدایی"، دایره المعارف علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرند آبادی، کتاب دوم، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- باقر، انصاری، (۱۳۹۰)، آموزش حقوق بشر، چاپ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- باقر، شاملو، (۱۳۹۰)، عدالت کیفری و اطفال، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- بیابانی، غلامحسین، (۱۳۹۲)، "نقش رسانه در پیشگیری از جرم"، رسانه، سال بیست و چهارم، شماره ۳
- پائولو، سر جیو پیکارو، (۱۳۸۷)، گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان، چاپ اول، تهران، یونیسف.
- تاج الزمان، دانش، (۱۳۵۳)، دادرسی اطفال، بزهدکار در حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابخانه ملی.
- جهان بین، داریوش، (۱۳۸۲)، نقش رسانه ها در کنترل و امنیت اجتماعی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۳، تابستان
- راندون، اس سنتریوال، (۱۳۷۷)، "ایا تماشای تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری در کودکان می شود"، ترجمه وحیده عرفاتی، پژوهش و سنجش، سال ششم، شماره ۱۵ و ۱۶
- قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۹)، حقوق بشر در جهان معاصر، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش.
- ستوده، هدایت الله، (۱۳۷۳)، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر نور
- شایگان، فریبا، (۱۳۸۹)، "رسانه و آموزش جرم"، فصلنامه علمی پژوهشی امنیت اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۴
- شهرام، ابراهیمی، (۱۳۹۰)، جرم شناسی پیشگیری، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- عبادی، شیرین، (۱۳۸۶)، حقوق کودک، تهران، چاپ هشتم، تهران، انتشارات کانون.
- عصام، معصومه، (۱۳۸۰)، "کودکان و رسانه ها، جهان کودکان به کجا می رود"، پژوهش و سنجش، سال نهم، شماره ۳۲
- معتمد نژاد کاظم، (۱۳۹۰)، ارتباطات بین المللی، جلد اول، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- معتمد نژاد، رویا، (۱۳۸۹)، جزوه درسی حقوق رسانه های سمعی و بصری، مقطع کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- معتمدی، (مجید)، (۱۳۷۹)، اخلاق رسانه ها، چاپ اول، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- نیومن، فیلیپ و نیومن باربارا، (۱۳۷۷)، "اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان"، ترجمه اسماعیل بیابانگرد، سال ششم، شماره ۱۵ و ۱۶
- ویلیامیز، فرانک پی، ماری لین دی، مکن شین، (۱۳۸۶)، نظریه های جرم شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان

1. internews Europe(2014),protecting the rights of the children:the role of the media,first publish,London,Ikea foundation.
2. Goonasekera, Anwca (2000) Grouping up with TV Singapoure, (Amic).
3. Robert.lamb, (1997), The Bigger picture, Audio-visual swvery and Recommondations, newyork , unicef.
4. The state of the world children report(2001). Available at: <http://www.unicef.org/sowc01/seen at 24/12/2015>
5. www.rotomation.ir.html/Article/Article. seen at 05/4/2015